

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	پیشگفتار
۹	فصل اول: ساخت، نقش و رده‌شناسی
۹	مقدمه
۹	۱-۱ ساخت
۱۸	۲-۱ رده‌شناسی
۲۱	۳-۱ نقش‌گرایی
۲۵	۴-۱ محتوای معنایی و نقش کلامی
۳۰	۵-۱ مقوله‌بندی توزیعی و اشکالات آن
۳۴	۶-۱ خلاصه
۳۴	منابعی برای مطالعه بیشتر
۳۶	فصل دوم: نقش‌های کلامی
۳۶	مقدمه
۴۰	۱-۲ نظریه سرنمون
۴۳	۲-۲ ساخت‌ها
۴۸	۳-۲ ساخت‌های سرنمونی و غیرسرنمونی
۵۳	۴-۲ نشانه‌گذاری ساختاری و رفتار دستوری
۵۸	۵-۲ خلاصه
۵۸	منابعی برای مطالعه بیشتر
۵۹	فصل سوم: ارجاع
۵۹	مقدمه
۶۰	۱-۳ محتوای معنایی گروه‌های ارجاعی
۶۴	۲-۳ بسته‌بندی اطلاعی گروه‌های ارجاعی
۶۶	۱-۲-۳ هویت معلوم
۷۳	۲-۲-۳ مرجع واقعی با هویت نامعلوم
۷۶	۳-۲-۳ مرجع نامعلوم و ضمائر نکره
۸۲	۴-۲-۳ ارجاع به جنس

صفحه	عنوان
۸۲	۳-۳ خلاصه
۸۴	منابعی برای مطالعه بیشتر
۸۵	فصل چهارم: تعریف
۸۵	مقدمه
۸۵	۱-۴ نقش کلامی تعریف
۸۶	۱-۴ تفکیک
۹۱	۲-۴ انتخاب
۹۴	۳-۴ موقعیت‌نمایی
۹۵	۴-۱ تعریف براساس عمل
۹۵	۲-۴ راهکارهای صرفی- نحوی در ساخت تعریف
۹۸	۳-۴ ساخت ملکی یا اضافی
۱۰۶	۴-۴ توالی معرف‌ها در عبارت‌های ارجاعی
۱۰۹	۵-۴ ساخت‌های ارجاعی با هسته مرجع‌دار
۱۱۱	۶-۴ خلاصه
۱۱۱	منابعی برای مطالعه بیشتر
۱۱۲	فصل پنجم: ساخت موضوعی و ساخت متعدی
۱۱۲	مقدمه
۱۱۲	۱-۵ معنا و نقش در بند
۱۱۵	۲-۵ مشارک‌ها
۱۱۹	۳-۵ ساخت متعدی
۱۲۳	۱-۳-۵ نشان‌گذاری
۱۳۳	۲-۳-۵ نمایه‌گذاری
۱۴۳	۴-۵ خلاصه
۱۴۴	منابعی برای مطالعه بیشتر
۱۴۵	فصل ششم: توالی کلمات
۱۴۵	مقدمه
۱۴۵	۱-۶ توالی کلمات فارسی از دیدگاه رده‌شناسی
۱۵۳	۲-۶ توالی سازه‌های قبل از فعل
۱۵۵	۳-۶ توالی سازه‌های پس از فعل
۱۶۳	۴-۶ خلاصه
۱۶۴	منابعی برای مطالعه بیشتر
۱۶۵	فصل هفتم: ساخت لازم و ساخت‌های متعدی غیرسرنمون
۱۶۵	مقدمه

صفحه	عنوان
۱۶۵	۱-۷ ساخت لازم
۱۶۸	۲-۷ ساخت موضوعی ارجح
۱۷۷	۳-۷ ساخت متعدی دو مفعولی
۱۸۰	۴-۷ ساخت انعکاسی و دوسویه
۱۸۷	۵-۷ ساخت رخداد حرکتی و تماسی
۱۹۱	۶-۷ ساخت رخداد های تجربه ای
۱۹۳	۷-۷ خلاصه
۱۹۳	منابعی برای مطالعه بیشتر
۱۹۴	فصل هشتم: ساخت های جهت غیر بنیادی و اسناد غیر سرنمونی
۱۹۴	مقدمه
۱۹۶	۱-۸ ساخت مجهول
۱۹۸	۲-۸ ساخت ضد مجهول
۲۰۶	۳-۸ ساخت سببی و ضد سببی
۲۱۱	۴-۸ ساخت الحاقی
۲۱۲	۵-۸ گزاره های غیر فعلی
۲۱۹	۶-۸ خلاصه
۲۱۹	منابعی برای مطالعه بیشتر
۲۲۰	فصل نهم: بسته بندی اطلاعی در بند
۲۲۰	مقدمه
۲۲۱	۱-۹ ساخت مبتدا-خبری
۲۲۲	۱-۹-۱ مبتدای سرنمون
۲۲۴	۲-۹-۱ مبتدای غیر سرنمون
۲۲۸	۲-۹ ساخت مقرری
۲۳۳	۳-۹ ساخت تعیینی
۲۳۹	۴-۹ خلاصه
۲۳۹	منابعی برای مطالعه بیشتر
۲۴۰	فصل دهم: ساخت های کار گفت
۲۴۰	مقدمه
۲۴۳	۱-۱۰ قطیبت
۲۴۶	۲-۱۰ ساخت سؤالی
۲۵۰	۳-۱۰ ساخت امری

صفحه	عنوان
۲۵۴	۴-۱۰ ساخت تعجبی
۲۵۷	۵-۱۰ خلاصه
۲۵۸	منابعی برای مطالعه بیشتر
۲۵۹	فصل یازدهم: زمان، نمود، وجهیت و گواه‌نمایی
۲۵۹	مقدمه
۲۶۲	۱-۱۱ نمود
۲۶۳	۱-۱۱ نمود واژگانی
۲۶۵	۲-۱۱ نمود دستوری
۲۶۹	۲-۱۱ وجه و وجهیت
۲۷۴	۳-۱۱ گواه‌نمایی
۲۷۵	۴-۱۱ خلاصه
۲۷۵	منابعی برای مطالعه بیشتر
۲۷۶	فصل دوازدهم: ساخت اسناد پیچیده رخدادی
۲۷۶	مقدمه
۲۷۹	۱-۱۲ راهکار ساخت اسناد پیچیده
۲۸۲	۲-۱۲ ساخت اخباری با دو فعل زمان‌دار
۲۸۵	۳-۱۲ ساخت التزامی با دو فعل زمان‌دار
۲۸۷	۴-۱۲ ساخت آینده‌بی‌زمان
۲۸۸	۵-۱۲ ساخت وصفی‌بی‌زمان
۲۹۱	۶-۱۲ افعال مرکب
۲۹۵	۷-۱۲ خلاصه
۲۹۶	منابعی برای مطالعه بیشتر
۲۹۷	فصل سیزدهم: ساخت اسناد پیچیده وضعیتی
۲۹۷	مقدمه
۲۹۷	۱-۱۳ ساخت تشریحی
۳۰۰	۲-۱۳ ساخت نتیجه‌ای
۳۰۲	۳-۱۳ ساخت قید حالتی
۳۰۳	۴-۱۳ راهکارهای ساخت اسناد پیچیده وضعیتی
۳۰۹	۵-۱۳ ساخت برآوردی
۳۱۰	۶-۱۳ خلاصه
۳۱۱	منابعی برای مطالعه بیشتر

۳۱۲	فصل چهاردهم: ساخت‌های همپایه و قیدی
۳۱۲	مقدمه
۳۱۳	۱-۱۴ بند پایه، پیرو، اصلی و وابسته
۳۱۴	۲-۱۴ تفاوت اطلاعی جمله همپایه و بند قیدی
۳۱۵	۳-۱۴ ساخت‌های همپایه
۳۱۸	۴-۱۴ ساخت‌های قیدی
۳۱۹	۵-۱۴ راهکارهای ساخت قیدفعل
۳۲۱	۱-۵-۱۴ پسوند مصدر ساز «-an»
۳۲۳	۲-۵-۱۴ اسم مصدر
۳۲۳	۳-۵-۱۴ پسوند «-e»
۳۲۴	۴-۵-۱۴ پسوند «-ān»
۳۲۴	۵-۵-۱۴ دوگان‌سازی
۳۲۴	۶-۵-۱۴ معیارهای تشخیص بند وابسته
۳۲۵	۷-۵-۱۴ برخی ساخت‌های مشابه ساخت قیدفعل
۳۲۸	۶-۱۴ ردگیری ارجاع
۳۲۹	۷-۱۴ ساخت مقایسه‌ای و برابری
۳۳۰	۸-۱۴ ساخت شرطی و تصدیقی
۳۳۳	۹-۱۴ خلاصه
۳۳۴	منابعی برای مطالعه بیشتر
۳۳۵	فصل پانزدهم: ساخت‌های متممی
۳۳۵	مقدمه
۳۳۶	۱-۱۵ ویژگی‌های معنایی بندهای متممی
۳۳۹	۲-۱۵ راهکارهای ساختن بند متممی
۳۵۰	۳-۱۵ خلاصه
۳۵۰	منابعی برای مطالعه بیشتر
۳۵۱	فصل شانزدهم: ساخت‌های موصولی
۳۵۱	مقدمه
۳۵۱	۱-۱۶ ویژگی‌های معنایی بندهای موصولی
۳۵۳	۲-۱۶ راهکارهای ساختن بند موصولی
۳۵۶	۳-۱۶ سلسله‌مراتب دسترسی
۳۵۹	۴-۱۶ خروج بند موصولی
۳۶۳	۵-۱۶ خلاصه
۳۶۳	منابعی برای مطالعه بیشتر

صفحه	عنوان
۳۶۴	فهرست منابع
۳۸۳	واژه‌نامه فارسی به انگلیسی
۳۹۳	واژه‌نامه انگلیسی به فارسی
۴۰۳	نمایهٔ اعلام
۴۰۷	نمایهٔ موضوعی

فهرست جدول‌ها

عنوان	صفحه
جدول ۱-۱ جدول چهارخانه‌ای	۲۰
جدول ۲-۱ بسامد اسامی جمع و مفرد	۲۴
جدول ۳-۱ نقش کلامی و محتوای معنایی	۲۶
جدول ۴-۱ شیوه تحلیل ساخت	۳۰
جدول ۵-۱ تمایز اسم و صفت براساس معیارهای توزیعی	۳۱
جدول ۱-۲ ساخت‌های دستوری براساس معنا و نقش کلامی	۳۶
جدول ۲-۲ معیارهای طبقه‌بندی سه طبقه معنایی سرنمون	۳۷
جدول ۳-۲ نقش کلامی و ساخت‌های مرتبط	۴۵
جدول ۴-۲ نمونه‌هایی از ساخت‌های غیرسرنمونی در زبان فارسی	۵۴
جدول ۱-۳ انواع گروه‌های ارجاعی براساس محتوای معنایی	۶۱
جدول ۲-۳ تعیین بافت‌بنیاد مرجع	۶۵
جدول ۳-۳ معرفگی در فارسی: نقش کلامی و ساخت‌ها	۶۶
جدول ۴-۳ گروه‌های ارجاعی با هویت نامعلوم	۷۴
جدول ۵-۳ گروه‌های ارجاعی با مرجع نامعلوم	۷۸
جدول ۶-۳ گروه‌های ارجاعی و نقش کلامی آن‌ها	۸۳
جدول ۱-۴ ساخت‌های دستوری براساس معنا و نقش کلامی: نقش تعریف	۸۷
جدول ۲-۴ طبقات سرنمونی معرف‌های تفکیکی	۸۹
جدول ۳-۴ عبارت‌های اندازه‌نما	۹۳
جدول ۴-۴ توزیع ضمیر اشاره و صفت	۱۰۶
جدول ۵-۴ توزیع عدد و صفت	۱۰۶
جدول ۶-۴ توزیع توالی ساخت اضافی، حرف اضافه و مفعول در زبان‌های جهان	۱۰۷
جدول ۷-۴ شش توالی پربسامد معرف‌ها در گروه‌های ارجاعی	۱۰۸
جدول ۱-۵ مقولات سرنمون معنایی، نقشی و دستوری در سطح بند	۱۱۲
جدول ۲-۵ طبقه‌بندی سه گانه بندهای ساده بنیادی	۱۱۶
جدول ۳-۵ ویژگی‌های معنایی ساخت متعدی	۱۲۰
جدول ۴-۵ نشانه‌های مطابقه فاعلی	۱۳۵
جدول ۵-۵ جایگاه‌های حضور ضمایر پی‌بستی	۱۴۰

۱۴۱	جدول ۶-۵ مقایسه رفتار شناسه‌ها و پی‌بست‌ها در افعال مرکب پی‌بستی
۱۴۸	جدول ۱-۶ همبستگی حرف اضافه با توالی فعل و مفعول
۱۴۸	جدول ۲-۶ فهرست جفت‌های همبسته درایر
۱۵۶	جدول ۳-۶ بسامد سازه‌های پس‌ایندشده و سازه‌های غیرهدف
۱۵۷	جدول ۴-۶ بسامد هدف‌های پس‌ایندشده در گونه‌های مختلف
۱۵۷	جدول ۵-۶ بسامد هدف‌های پس‌ایندشده با افعال خاص
۱۵۸	جدول ۶-۶ طیف سازه‌های پس از فعل در گونه گفتاری محاوره‌ای
۱۵۸	جدول ۷-۶ بسامد عناصر غیرکانونی (زمینه) در جایگاه پس از فعل
۱۵۹	جدول ۸-۶ بسامد سازه‌های پس از فعل
۱۶۰	جدول ۹-۶ پرسامدترین افعال حرکتی سببی
۱۶۱	جدول ۱۰-۶ پرسامدترین افعال حرکتی
۱۶۳	جدول ۱۱-۶ داده‌های فرامر (۱۹۸۱) و راسخ‌مهند و همکاران (۲۰۲۴: ۲۲۳)
۱۷۰	جدول ۱-۷ گذرایی و تعداد موضوعات واژگانی موجود در بندها
۱۸۵	جدول ۲-۷ رده‌های زبانی در ضمائر انعکاسی
۱۹۵	جدول ۱-۸ ساخت جهت بنیادی و غیربنیادی
۱۹۹	جدول ۲-۸ معیارهای فردیت بالا و پایین
۲۰۶	جدول ۳-۸ تغییرات در ساخت سببی
۲۶۱	جدول ۱-۱۱ تعامل مقولات فعلی
۲۹۱	جدول ۱-۱۲ بیست فعل پرسامد زبان فارسی
۳۰۳	جدول ۱-۱۳ ساخت اسناد پیچیده وضعیتی
۳۲۰	جدول ۱-۱۴ نقش‌های مختلف افعال تنزل‌یافته

فهرست نمودارها

صفحه	عنوان
۲۸	نمودار ۱-۱ شیوه مطالعه هر ساخت
۴۷	نمودار ۱-۲ ساختار بند
۵۵	نمودار ۲-۲ ساخت‌های سرنمونی و غیرسرنمونی در فارسی
۷۹	نمودار ۱-۳ نقشه معنایی فرضی
۸۰	نمودار ۲-۳ نقشه معنایی ضمائر نکره
۸۱	نمودار ۳-۳ نقشه معنایی ضمائر نکره در انگلیسی
۸۲	نمودار ۴-۳ نقشه معنایی گروه‌های ارجاعی با مرجع نامعلوم (ضمائر نکره و نشانه نکره) در زبان فارسی
۱۰۰	نمودار ۱-۴ انواع ساخت ملکی
۱۰۵	نمودار ۲-۴ پیوستار ساخت اضافی و کلمات مرکب
۱۲۵	نمودار ۱-۵ بسامد «را» برای نشان دادن مفعول و غیرمفعول در فارسی نو
۱۲۷	نمودار ۲-۵ جاننداری در حالت‌های مختلف همراه با «را»
۱۲۸	نمودار ۳-۵ جاننداری در مفعول همراه با «را»
۱۵۵	نمودار ۱-۶ توالی سازه‌ها قبل از فعل
۱۶۲	نمودار ۲-۶ اهمیت نسبی عوامل مختلف بر سازه‌های پس از فعل
۱۷۰	نمودار ۱-۷ نسبت جایگاه‌های موضوعی به عناصر واژگانی
۱۷۲	نمودار ۲-۷ بسامد بندهای دارای صفر، یک و دو موضوع نو
۱۷۳	نمودار ۳-۷ توزیع واحدهای اطلاع نو (تعداد کل=۱۲۳) در نقش‌های دستوری
۱۷۴	نمودار ۴-۷ نسبت واحدهای اطلاع نو به جایگاه‌های موضوعی
۱۷۵	نمودار ۵-۷ توزیع گروه‌های اسمی جاندار در نقش‌های دستوری
۱۷۶	نمودار ۶-۷ پیوستگی مبتدا و نقش دستوری
۲۰۱	نمودار ۱-۸ الگوی گذرایی لازار (۲۰۰۲)
۳۲۸	نمودار ۱-۱۴ تقسیم‌بندی‌های بندها

به یاد مادرم

پیشگفتار

اولین گروه زبان‌شناسی در ایران در سال ۱۳۴۲ در دانشگاه تهران پایه‌ریزی شد (طیب‌زاده و راسخ‌مهند ۱۳۸۳: ۱۱). از همان زمان تاکنون، زبان‌شناسان مدعی بوده‌اند دستور زبان‌هایی که دستورنویسان سنتی و استادان ادبیات فارسی نوشته‌اند معایب، کاستی‌ها و گاه اشتباهاتی دارد (باطنی ۱۳۹۳). از این‌رو، یکی از مهم‌ترین اهداف زبان‌شناسان نوشتن دستور یا دستور زبان‌هایی است که این کاستی‌ها را نداشته باشد. با این حال، پس از گذشت بیش از نیم‌قرن از این اتفاق و رشد کمی و البته کیفی زبان‌شناسی در کشور، زبان‌شناسان تا چه میزان به این هدف رسیده‌اند؟

با نگاهی به تاریخچه دستورنویسی در زبان فارسی می‌توان دستور زبان‌های نوشته‌شده را به دو دسته کلی تقسیم کرد: دستورهای سنتی و دستورهای نظریه‌بنیاد. از این میان، دستورهای سنتی را می‌توان در سه دسته آموزشی، توصیفی و آموزشی-توصیفی طبقه‌بندی کرد، به این ترتیب که برخی از این دستورها به منظور آموزش، خواه برای فارسی‌زبانان و خواه غیرفارسی‌زبانان، نگاشته شده‌اند و برخی در کنار هدف آموزشی، جنبه توصیفی نیز دارند. نیازی نیست که ویژگی‌ها، مزیت‌ها و عیوب دستورهای سنتی اینجا ذکر شود، زیرا به این مسائل در متون مختلف زبان‌شناسی بارها اشاره شده است.

با گسترش دانش زبان‌شناسی و شناخته شدن مکاتب مختلف آن، دستورنویسی از شکل تدوین و جمع‌آوری نکات دستوری به همراه شواهد زبانی-که یا از متون کهن استخراج می‌شد یا براساس شم زبانی نویسنده بود-به یک پژوهش نظریه‌بنیاد و دارای چارچوب و روش علمی تبدیل شده است. هر کدام از دستورهای نظریه‌بنیاد بر پایه روش‌های علمی و نظریه‌های مکاتب مختلف زبانی نگاشته شده‌اند. در مورد زبان فارسی، دستورهایی را که زبان‌شناسان نوشته‌اند می‌توان در سه دسته قرار داد: دسته اول، دستور زبان‌هایی که یک دید کلی زبان‌شناختی به دستور زبان دارند و از اصول و تعاریف زبان‌شناختی بهره برده‌اند، اما پیرو یک نظریه خاص نبوده‌اند. برای نمونه، لازار (۱۹۵۷) (← لازار ۱۳۸۴) دستور زبانی برای زبان فارسی است که بنیاد زبان‌شناختی دارد و در آن، کوشش شده است از داده‌های نوشتاری و گفتاری زبان فارسی معاصر استفاده شود. همچنین نجفی (۱۳۷۱) با اتکا بر مبانی زبان‌شناسی، برخی ابعاد

دستور زبان فارسی را بررسی کرده است. افراشی (۱۳۸۶) نیز، با اتخاذ دیدگاهی زبان‌شناختی، به معرفی و توصیف آواشناسی، واج‌شناسی و صرف و نحو زبان فارسی پرداخته است. طباطبایی (۱۳۹۵) را نیز می‌توان در این دسته قرار داد. او ضمن گردآوری آراء دستورنویسان سنتی، مباحثی را که زبان‌شناسان مطرح کرده‌اند نیز به کتاب افزوده است.^۱ در دسته دوم، دستور زبان‌هایی قرار می‌گیرند که تحت سیطره آراء چامسکی، از دید صورت‌گرایی به دستور زبان فارسی نگاه می‌کنند. برای مثال، فصل نحو از غلامعلی‌زاده (۱۳۷۴) براساس **نظریه زایشی** نوشته شده است، درحالی‌که فصل سوم آن آواشناسی سنتی است. میرعمادی (۱۳۷۶)، براساس **نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی** نوشته شده است. مشکوة‌الدینی (۱۳۶۶ و ۱۳۸۴) نیز به بررسی و توصیف ویژگی‌های دستوری و صرفی زبان فارسی براساس الگوهای مختلف دستور گشتاری پرداخته است. با اینکه دستور صورت‌گرا چند دهه نگاه غالب در زبان‌شناسی کشور بوده است، مرور دستورهایی که بر این اساس نوشته شده ضعف‌های عمده در این نوع پژوهش‌ها را نشان می‌دهد. درواقع، به نسبت سیطره زبان‌شناسی زایشی در مدتی طولانی، پیروان این نظریه در ایران دستوری قابل قبول براساس آن برای زبان فارسی تألیف نکرده‌اند. در دسته سوم، دستورهایی قرار می‌گیرند که در چارچوبی غیر از دستور زایشی نوشته شده‌اند. از این میان می‌توان به باطنی (۱۳۴۸) اشاره کرد که در آن توصیف ساختمان جمله براساس تجزیه و تحلیل یازده هزار جمله فارسی و براساس **نظریه مقوله و میزان** انجام شده است. همچنین، ماهوتیان (۱۳۷۸) نخستین کتاب دستور فارسی است که از دیدگاه رده‌شناسی زبان نوشته شده و طیب‌زاده (۱۳۸۵ و ۱۳۹۱) نیز براساس **دستور وابستگی** تدوین شده است.

رضوی (۱۴۰۳) به مرور سنت دستورنویسی در زبان فارسی پرداخته است. او هفت دستور زبان فارسی را بررسی کرده و آن‌ها را در سه گروه دستور غیرزبان‌شناختی (خیام‌پور ۱۳۴۷؛ قریب و همکاران ۱۳۸۵)، دستور زبان‌شناختی غیرنظریه‌بنیاد (لازار ۱۳۸۴؛ حق‌شناس و همکاران ۱۳۸۵) و دستور زبان‌شناختی نظریه‌بنیاد (طیب‌زاده ۱۳۹۱؛ راسخ‌مهند ۱۳۹۶ الف؛ و بهرامی خورشید ۱۳۹۸) قرار داده است. او بیان می‌کند تنها در گروه سوم است که یک نظریه زبان‌شناسی به‌طور کامل مبنا قرار گرفته و توصیف زبان از دریچه آن انجام شده است. این مرور کوتاه نشان می‌دهد که نوشتن دستور زبان فارسی براساس مکاتب مختلف

۱. در کتاب حاضر، بارها برای اشاره به مباحث دستور سنتی، به طباطبایی (۱۳۹۵) ارجاع داده‌ایم، اما منظور این نبوده است که آن مطالب دیدگاه‌های خود طباطبایی است، بلکه صرفاً از این جهت که او آن‌ها را یکجا گرد آورده محل ارجاع بوده است.

زبان‌شناسی در آغاز راه است و همچنین براساس دو مکتب مهم و غالب در زبان‌شناسی امروز (دبیرمقدم ۱۳۸۳)، یعنی مکاتب **شناخت‌گرایی و نقش‌گرایی**، هنوز دستوری برای زبان فارسی نوشته نشده است. تنها راسخ‌مهند (۱۳۹۶ الف) به بررسی برخی ویژگی‌های زبان فارسی براساس **رویکرد نقشی-رده‌شناختی** پرداخته و بهرامی خورشید (۱۳۹۸) نیز چند نکته نحوی زبان فارسی را براساس **دستور شناختی** تحلیل کرده است. البته فقدان دستوری برای زبان فارسی براساس چارچوبی نظری، به این معنا نیست که مطالعات مهم و جدی زبان‌شناختی بر روی زبان فارسی انجام نشده است. برعکس، به نظر نگارنده، اکنون می‌توان با اطمینان گفت که مطالعات فراوانی بر روی زبان فارسی از دیدگاه‌های مختلف صورت گرفته و نمی‌توان گفت زبان فارسی از این نظر در زمره زبان‌هایی است که کمتر مطالعه شده است. اکثر این مطالعات به صورت مقالات و پایان‌نامه‌هایی در آمده که در مجلات و دانشگاه‌های مختلف در سراسر جهان گسترده شده است. درواقع، همین مطالعات اکنون پشتوانه‌ای برای نوشتن دستور زبان فارسی از دیدگاه‌های مختلف است. نگارنده در نوشتن این کتاب از این پشتوانه بهره گرفته و وجود آثار فراوان و سودمند، نوشتن این اثر را ممکن کرده است.

زبان از دید پیروان مکتب نقش‌گرایی یا نقشی، قبل از هر چیز، ابزاری برای برقراری ارتباط بین انسان‌ها است و این واقعیت مهم‌ترین نکته برای تبیین چرایی ماهیت زبان‌ها است. زبان‌شناسان نقش‌گرا به ارتباط قوی و درهم‌تنیده بین جنبه‌های نقشی، رده‌شناختی و تاریخی دستور تأکید می‌کنند. نقش‌گرایی نیز مانند سایر مکاتب، دارای شاخه‌هایی است (راسخ‌مهند ۱۳۹۸ الف). یکی از مهم‌ترین شاخه‌های زبان‌شناسی نقش‌گرا، زبان‌شناسی نقشی-رده‌شناختی است. در این نگرش، کلمه «رده‌شناسی» به این معنی است که زبان‌ها دارای انواع مختلفی از **ساخت‌ها** هستند که می‌توان آن‌ها را در یک آبرنوع جای داد و با هم مقایسه کرد و کلمه «نقشی» به این معنی است که تبیین‌های زبانی درنهایت باید ماهیت نقشی داشته باشند و به عواملی که در ارتباط مؤثر هستند اشاره کنند. به عبارتی، اگر دستوری برای یک زبان خاص براساس این رویکرد نوشته شود «رده‌شناختی» است، یعنی براساس شباهت‌های کلان بین زبان‌ها نوشته می‌شود، و «نقشی» است، یعنی تبیین‌های مطرح به دلیل ماهیت ارتباطی زبان معنا می‌یابند (راسخ‌مهند ۱۳۹۶ الف: فصل اول).

در چهار دهه گذشته، زبان‌شناسان نقش‌گرا سعی در تعیین اصول و اهداف خود در مطالعه زبان داشته‌اند. حاصل کار آنان کتاب‌هایی است که بخشی از عنوان آن‌ها کلمه «نقشی» یا «نقش‌گرایی» بوده است؛ مثلاً گیون (۲۰۰۱) سعی کرده چارچوبی برای نوشتن دستور زبان

براساس این رویکرد به دست دهد. کرافت (۲۰۰۳) بنیادهای نگاه نقشی-رده‌شناختی به زبان را مرور کرده و البته همو پیش‌تر (← کرافت ۲۰۰۱) چارچوبی برای مطالعه برخی ویژگی‌های زبان براساس این رویکرد به دست داده بود و اخیراً (کرافت ۲۰۲۲) سعی در گردآوری آراء خود داشته است. همچنین، دیسل (۲۰۱۹) به بررسی نحوه شکل‌گیری ساختار زبان براساس کاربرد آن پرداخته و سعی کرده دیدگاه‌های نقشی را در یک قالب جمع کند. در سال‌های اخیر، با توجه به مفهوم «ساخت» که نقطه اشتراک مطالعات شناختی و نقشی است، کتاب‌های دیگری در این زمینه نوشته شده است. هیلپرت (۲۰۱۹)، کرافت (۲۰۲۰)، هافمن (۲۰۲۲)، و هریست و هافمن (۲۰۲۵) از جمله آثاری هستند که در چند سال گذشته، به‌طور مشخص، به توصیف دستور ساختی و کاربرد آن در زبان انگلیسی پرداخته‌اند. این‌ها فقط چند نمونه از کتاب‌های مهم موجود در این حیطه است و البته در این رویکرد مقالات فراوانی نیز به نگارش در آمده است. اشاره نگارنده به این آثار از این جهت است که چارچوب نظری کتاب حاضر براساس رویکرد کاربردبنیاد (بایی ۲۰۱۰) است که در چنین آثاری منعکس شده است. پیش از این، نگارنده مجموعه‌ای از نتایج تحقیقات خود در حوزه دستور نقش‌گرا را در کتابی مستقل (راسخ‌مهند ۱۳۹۶ الف) به چاپ رسانده است. آن کتاب درواقع بررسی چند ویژگی مختلف نحوی زبان فارسی است و هدف آن تدوین دستور نبوده است و به تمامی جنبه‌های مربوط به ساخت جمله نمی‌پردازد. در سال‌های اخیر، زبان‌شناسانی که به مطالعه زبان فارسی روی آورده‌اند از رویکرد نقش‌گرایی نیز غافل نبوده‌اند و مطالعات آن‌ها بیشتر به‌صورت پایان‌نامه یا مقاله چاپ شده است. کتاب حاضر از این پشتوانه نیز استفاده کرده است.

برای تسهیل مطالعه این اثر یادآوری دو نکته ضروری است: نخست آنکه اصطلاحات تخصصی این کتاب، تنها در نخستین کاربردها در متن، با قلم سیاه (پررنگ) متمایز شده‌اند تا خواننده از بار اصطلاحی آن‌ها آگاه شود. معادل لاتین این اصطلاحات در «واژه‌نامه تخصصی دوزبانه» در پایان کتاب درج شده است. دوم اینکه معادل انگلیسی اسامی خاص، اعم از اشخاص و مکان‌ها، در بخش «نمایه اعلام» در انتهای کتاب گردآوری شده است.

اهداف کتاب. نگارنده در این کتاب در پی بررسی **ساخت‌های صرفی-نحوی** زبان فارسی بر پایه رویکرد نقش‌گرایی است. به عبارتی، هدف ارائه یک دستور نظریه‌بنیاد برای زبان فارسی است. همان‌طور که گفته شد، چارچوب مطالعه رویکرد نقشی-رده‌شناختی است، یعنی در قالب مکتب نقش‌گرایی و با استفاده از یافته‌های رده‌شناسی سعی در توصیف و تبیین ساخت‌های صرفی-نحوی زبان فارسی می‌شود. این چارچوب که سابقه‌ای نزدیک به شش دهه

دارد نخستین بار با انتشار مقاله بنیادین گرینبرگ (۱۹۶۳) مطرح شد. مطالعات فراوانی که در این مدت در رده‌شناسی انجام شده و البته مطالعات زبان‌شناختی فارسی، اساس نگارش این دستور است. مطالعه نقشی ساخت‌های صرفی-نحوی زبان فارسی همراه با استفاده از الگوهای رده‌شناختی در زبان‌های جهان می‌تواند چهره متفاوتی از دستور زبان فارسی ترسیم کند. شایان ذکر است که در این کتاب به مباحث آوایی و واجی و همچنین ساخت‌واژه پرداخته نشده است. ساختار کلی کتاب. کتاب حاضر در شانزده فصل تنظیم شده است. دو فصل نخست کتاب به معرفی مختصر دیدگاه نقشی و نحوه نگاه کردن به دستور از این منظر می‌پردازد. رویکرد نقش‌گرایی با رویکردهای زایشی و شناختی مقایسه نشده است (برای این منظور ر.ک.: راسخ‌مهند ۱۳۹۶ الف: فصل ۱ و ۲) و سعی شده تا حد ممکن چارچوبی معرفی شود که سایر فصل‌ها براساس آن نوشته شده‌اند. در این دو فصل، سعی شده با معرفی مبانی و مفاهیم نظری بحث، خواننده با این رویکرد آشنا شود و فصول بعدی را با توجه به این نظریه مطالعه کند. فصل‌های سوم تا شانزدهم براساس سه نقش کلامی یا بسته‌بندی اطلاعاتی مرتب شده‌اند: ارجاع (فصل سوم)، تعریف (فصل چهارم) و اسناد (فصل پنجم تا شانزدهم). این سه نقش کلامی در دو فصل اول معرفی شده‌اند. به این ترتیب، برای درک چارچوب نظری کتاب حاضر مطالعه دو فصل نخست ضروری است. سایر فصل‌ها را بنا به ضرورت می‌توان مستقل مطالعه کرد یا پژوهشگران می‌توانند موضوعات مختلف را در آن دنبال کنند یا برای مطالعات خود به صورت مجزا به مباحث رجوع کنند. در پایان هر فصل، بخشی با عنوان «منابعی برای مطالعه بیشتر» آورده شده است تا پژوهشگران و علاقه‌مندان بتوانند برای مطالعه عمیق‌تر مبحث و پژوهش گسترده‌تر در این زمینه به آن‌ها رجوع کنند.

جامعه هدف. این کتاب هم برای متخصصان زبان‌شناسی و هم افراد علاقه‌مند به زبان از سایر رشته‌ها می‌تواند سودمند باشد. دانشجویان زبان‌شناسی که با مقدمات این علم و اصول دستور زبان آشنایی دارند می‌توانند از این اثر برای مباحث دستوری زبان فارسی بهره ببرند. از این رو، این کتاب می‌تواند برای دروسی مانند «ساخت زبان فارسی»، «نحو»، «دستور نقش‌گرا» در دوره کارشناسی ارشد به عنوان منبع اصلی، و برای درس «رده‌شناسی زبان» به عنوان منبعی جنبی استفاده شود. برای دوره دکتری زبان‌شناسی، این کتاب می‌تواند منبعی برای دروس «نحو زبان فارسی»، «زبان‌شناسی نقش‌گرا»، «نظریه‌های نحوی» و «رده‌شناسی زبان» باشد. در عین حال، کتاب حاضر یک کتاب دستور زبان فارسی است و هر فردی که به این حیطه علاقه دارد می‌تواند از این کتاب استفاده کند. نگارنده امیدوار است علاقه‌مندان به آموزش

زبان فارسی و معلمان و مدرسان دروس دستور زبان در مقاطع مختلف نیز از این اثر بهره ببرند. نحوه تدریس کتاب. اگر از این کتاب برای دوره کارشناسی ارشد استفاده می‌شود، احتمالاً برای تدریس در دو نیمسال و برای چهار واحد مناسب است. برای دوره دکتری می‌توان در یک نیمسال این کتاب را تدریس کرد. اگر قرار بر انتخاب برخی فصل‌ها باشد، چنان‌که پیش از این نیز اشاره شد، تدریس دو فصل اول برای درک مفاهیم پایه ضروری است و سایر فصل‌ها را می‌توان به‌اختیار تدریس کرد؛ هرچند در اکثر فصل‌ها به مباحث فصول قبل و بعد ارجاع داده شده است. فرض بر این است که خواننده یا دانشجو با مفاهیم ابتدایی زبان‌شناسی و دستور زبان آشنا باشد.

سپاس‌گزاری. نوشتن این کتاب بدون هم‌فکری و کمک آگاهانه یا ناآگاهانه افراد مختلف در طی سال‌ها امکان‌پذیر نبود. دانش هر معلم یا نویسنده‌ای حاصل دادوستدهای علمی است که بین او و استادانش، همکارانش و دانشجویانش برقرار شده است. اینجانب نیز از این قاعده مستثنی نبوده‌ام. تعامل با این سه گروه در طی سال‌ها تدریس دروس مختلف مربوط به دستور زبان فارسی، نحو و رده‌شناسی این امکان را فراهم کرد تا بتوانم در نهایت دست به نوشتن این کتاب بزنم. از تمام این افراد سپاس‌گزارم. البته مایلم از چند نفر که نقش مشخص و پررنگ‌تری در نوشتن این کتاب داشتند نام ببرم. در میان همکارانم، از آقایان دکتر امید طیب‌زاده و دکتر مهرداد نغزگوی کهن سپاس‌گزارم. سال‌ها همکاری و دوستی با این عزیزان و امکان بحث و هم‌فکری با ایشان در این سال‌ها به من در نوشتن این کتاب کمک کرده است. تقریباً اکثر بحث‌های مطرح‌شده در این کتاب را در نشست‌های دوستانه مختلف یا از طریق مکاتبه با این عزیزان در میان گذاشته و نظر آن‌ها را جویا شده‌ام. در این سال‌ها، فرصت همکاری با دکتر جفری هیگ، استاد زبان‌شناسی دانشگاه بامبرگ، باعث شد که بتوانم از نزدیک با شیوه پژوهشی او آشنا شوم و با توجه به دانش او در مباحث رده‌شناسی و زبان‌های ایرانی، مطالب فراوانی را از او بیاموزم. این دوستی باعث همکاری بین گروه زبان‌شناسی دانشگاه بوعلی‌سینا و گروه زبان‌شناسی دانشگاه بامبرگ شد و از این رهگذر سخنرانی‌ها و کارگاه‌های پژوهشی مشترک در این دو دانشگاه برگزار گردید. همچنین، این امکان فراهم شد که در فواصل مختلف در دانشگاه بامبرگ فرصت مطالعاتی داشته باشم و با فراغت بیشتر به مباحث مختلف مطرح در این کتاب بپردازم. بخشی از این فرصت را مدیون مؤسسه تحقیقاتی الکساندر فون هومبولت آلمان هستم که امکان حضور مرا در آن دانشگاه فراهم کرد. لازم است از دکتر هیگ و این نهاد تحقیقاتی سپاس‌گزاری کنم. از همکاران جوانم آقایان دکتر

مهدی پری‌زاده و دکتر مهرداد مشکین‌فام و دوست دیرینم آقای دکتر مهدی امیری بسیار سپاس گزارم که در مراحل مختلف نگارش کتاب، آن را خواندند و نکاتی را ذکر کردند. شادی و رنج این کتاب را وام‌دار عمارت‌کننده‌ای هستم که وکالت جهان‌سرد و سیاهم را، به‌خصوص در سال پایانی نگارش آن، به او سپردم و الحق که با من کرد آنچه باران بر چمن. نشر این کتاب به همت همکاران محترم در سازمان مطالعه و تدوین (سمت) ممکن گردید. از همه آنان سپاس گزارم، به‌ویژه از جناب آقای دکتر مهدی احمدی، مدیر محترم گروه زبان‌شناسی، سرکار خانم مریم کشوری، کارشناس محترم گروه زبان‌شناسی، سرکار خانم طلایه اسدی، ویراستار محترم و دو داور ناشناس که کتاب را خواندند و نکات ارزشمندی بیان نمودند.

به عقیده اینجانب، هر فرد دانشگاهی باید سعی کند خط پژوهشی مشخصی داشته باشد. دنیای علم امروز، در همه رشته‌ها، دنیای تخصص‌گرایی است. در حدود ربع قرن گذشته که به تحصیل و تدریس زبان‌شناسی پرداخته‌ام، تا حد زیادی سعی کرده‌ام خط پژوهشی مشخصی داشته باشم. در تمام این سال‌ها، مطالعه نحو و رده‌شناسی زبان‌های ایرانی، به‌ویژه زبان فارسی، حوزه اصلی پژوهشی من بوده است. دروسی که در دانشگاه تدریس کرده‌ام نیز حول همین محور بوده است. مقالاتی که نوشته‌ام و پایان‌نامه‌ها و رساله‌هایی که راهنمایی کرده‌ام نیز از این قاعده مستثنی نبوده‌اند. اکنون که به سال‌های پایانی کار و البته حیات خود نزدیک می‌شوم، سعی کرده‌ام یافته‌های پژوهشی خود را در زمینه ویژگی‌های صرفی-نحوی زبان فارسی در این کتاب گردآوری کنم. نوشتن این کتاب مانند کنار هم نهادن قطعات پازلی بود که هر قطعه را زمانی ساخته بودم یا دیگران ساخته بودند یا هنگام نوشتن کتاب آن‌ها را ساختم. بخشی از این کتاب را زمانی نوشتم که مادرم درگیر بیماری بود و قبل از پایان کار مرا تنها گذاشت. کتاب را به یاد و خاطره او تقدیم می‌کنم. همچنین، یاد استادم دکتر کورش صفوی را گرامی می‌دارم که بسیار از ایشان آموختم.

محمد راسخ‌مهند

همدان، آذر ۱۴۰۴